

قصه‌های رفته از یاد

خاطرات دوران انقلاب اسلامی و دفاع مقدس

www.ketab.ir

گردآورنده:

محمدعلی دهقانی یزدلی

-
- سرشناسه : دهقانی یزدلی، محمدعلی، ۱۳۴۶-
عنوان و نام پدیدآور : قصه‌های رفته از یاد: خاطرات دوران انقلاب اسلامی و دفاع مقدس / گردآورنده محمدعلی دهقانی یزدلی.
مشخصات نشر : کاشان: دارما، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری : ۲۴۷ ص:؛ ۲۱×۲۱ س.م.
شابک : ۶۰۰۰۰ ریال: ۴-۴-۹۶۳۶۲-۶۲۲-۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی : فیبا
عنوان دیگر : خاطرات دوران انقلاب اسلامی و دفاع مقدس.
موضوع : جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ -- شهیدان -- خاطرات
موضوع : Iran-Iraq War, 1980-1988 -- Martyrs -- Diaries
موضوع : شهیدان -- ایران -- بازماندگان -- خاطرات
موضوع : Martyrs -- Iran -- Survivors -- Diaries
موضوع : ایران -- تاریخ -- انقلاب اسلامی، ۱۳۵۷ -- خاطرات
موضوع : Iran -- History -- Islamic Revolution, 1979 -- Diaries
رده‌بندی کنگره : DSR ۱۶۲۵
رده‌بندی دیویی : ۹۵۵/۰۸۳-۹۲۲
شماره کتابشناسی ملی : ۷۵۶۳۰۸
وضعیت رکورد : فیبا
-

قصه‌های رفته از یاد

خاطرات دوران انقلاب اسلامی و دفاع مقدس

گردآورنده: محمدعلی دهقانی یزدلی

ویراستار: دکتر هادی دهقانی یزدلی

طراح جلد: حمید اقدسی یزدلی

ناشر: دارما

چاپ اول / ۱۴۰۰ / ۲۰۰ نسخه

شابک: ۴-۴-۹۶۳۶۲-۶۲۲-۹۷۸

قیمت: ۶۰,۰۰۰ تومان

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

فهرست

پیش‌گفتار.....	۱۳
مقدمه.....	۱۹
پیش‌درآمد خاطرات.....	۲۲
۱. بدون هیچ چشم‌داشتی کار می‌کردند.....	۲۳
۲. نوجوانی که عارف بود.....	۲۵
۳. خواب حیرت‌آور نیروی حزب‌الله.....	۲۸
۴. تشبیهی از سردار سلیمانی دربارهٔ دفاع مقدس.....	۳۰
خاطرات دوران انقلاب اسلامی در روستای یزدل.....	۳۳
۱. شرکت در تظاهرات کاشان.....	۳۴
۲. مراسم ختم مرحوم حجت‌الاسلام حاج‌احمد کافی.....	۳۵
۳. جلسات انقلابی.....	۳۸
۴. با سرباز من چه کار داشتی؟!.....	۴۱
۵. پیشوازی از امام.....	۴۶
۶. برای ملاقات رفته بودیم.....	۴۷

۴۷. مأمورین حکومتی.....
۵۰. خاطرات رزمندگان هشت سال دفاع مقدس.....
۵۱. شهید آینده.....
۵۲. شهادتین را گفتم.....
۵۳. سجده واجب.....
۵۵. شهدا وابسته به هیچ خط و خطوطی نبودند.....
۵۶. می خواهم توهم مادر شهید باشی.....
۵۷. مردم باید مسجدی و متحد باشند.....
۵۹. اخلاق و رفتار شهدا.....
۶۱. ایثار شهدا.....
۶۲. محل خدمت من را جایگاه شهید.....
۶۲. عکس یادگاری.....
۶۳. مین های بیشتری را خنثی کنید.....
۶۴. زیر گلولی برادرم را بوسیدم.....
۶۵. شجاعت محمد علی.....
۶۶. عملیات پارتیزانی.....
۶۸. جمهوری اسلامی؛ امانتی الهی.....
۶۹. آخرین خدا حافظی.....
۷۰. خاطره ای از زندگی شهید علی روحانی.....
۷۱. خاطراتی به قلم و روایت شهید حبیب الله ابراهیم زاده.....
۷۶. ما باید مدرک مان را در جبهه بگیریم؛ نه در دبیرستان!.....
۷۷. ابعاد اخلاقی شهید غلامرضا رعیت.....

۷۹.....	۲۱. شهدا مرا دعوت کرده‌اند.....
۸۱.....	۲۲. برای نابودی حزب الله نقشه کشیدند.....
۸۴.....	۲۳. شهادت فرمانده.....
۸۶.....	۲۴. شهدا ناظرند.....
۸۸.....	۲۵. مأموریت در کردستان.....
۹۱.....	۲۶. عملیات والفجر (۲).....
۹۴.....	۲۷. حمام لشکر.....
۹۵.....	۲۸. تک فاو سال ۱۳۶۷.....
۹۷.....	۲۹. نوار را خاموش کنید!.....
۹۹.....	۳۰. ژاله و ژیان!.....
۱۰۱.....	۳۱. فضیلت شهدا.....
۱۰۴.....	۳۲. جهاد سازندگی و برق‌کشی روستایی.....
۱۰۵.....	۳۳. نیروهای شنا.....
۱۰۶.....	۳۴. نماز شب.....
۱۰۹.....	۳۵. غسل شهادت.....
۱۰۹.....	۳۶. شجاعت به مردی است نه سبیل.....
۱۱۱.....	۳۷. این‌ها چیزی نیست؛ خودی‌ها هستند!.....
۱۱۲.....	۳۸. گلوله‌گذار شما برقی است.....
۱۱۴.....	۳۹. سنگ‌سازان بی سنگر.....
۱۱۵.....	۴۰. نگهبان مقر لشکر (۱۴) امام حسین علیه السلام
۱۲۰.....	۴۱. ترکش به پهلویش خورد.....
۱۲۳.....	۴۲. کجایند مردان بی ادعا؟.....
۱۲۹.....	۴۳. فانوس را کنار جاده می‌چیدیم.....

۴۴. تأسیس گردان فتح لشکر (۸) نجف..... ۱۳۳
۴۵. کلاه آهنی و شهید شکاری..... ۱۳۶
۴۶. موشک آرپی جی شلیک شد..... ۱۳۹
۴۷. بعد از امام، چرا ما باید برگردیم؟!..... ۱۴۱
۴۸. عملیات والفجر (۱۰) و گردان فتح..... ۱۴۳
۴۹. هرچه مجروح گنده است، نصیب ماست!..... ۱۴۶
۵۰. ما این روزها میهمان داریم..... ۱۴۷
۵۱. حاج میکائیل..... ۱۴۹
۵۲. آتش بازی عراقی ها..... ۱۵۲
۵۳. زمین شخم زده..... ۱۵۴
۵۴. نماز شب..... ۱۵۷
۵۵. سخنران..... ۱۵۷
۵۶. امداد غیبی..... ۱۵۸
۵۷. اسیر عراقی ها..... ۱۵۹
۵۸. قاطر فراری..... ۱۶۰
۵۹. روحانی شهید..... ۱۶۱
۶۰. فرمانده پیش نماز..... ۱۶۳
۶۱. مقاومت در قلعه..... ۱۶۳
۶۲. سقوط هواپیما..... ۱۶۵
۶۳. بازی فوتبال..... ۱۶۶
۶۴. بسیجی کم سن و سال..... ۱۶۷
۶۵. حمله هوایی..... ۱۶۸
۶۶. تیربار عراقی..... ۱۶۸

پیش‌گفتار

در طول تاریخ، پیامبران الهی مخصوصاً رسول مکرم اسلام ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام تلاش کرده‌اند تا مردم را به صراط مستقیم هدایت کنند و در این راه جان شیرین خود را بر سر اهداف الهی گذاشته‌اند. علمای اسلام مخصوصاً شیعه در این راه تلاش‌های جهادی کرده و خون دل‌ها خورده و به دست مستکبران زمان خود مظلومانه به شهادت رسیده‌اند تا مذهب متعالی شیعه به دست ما برسد.

جنگ‌های بسیاری در طول تاریخ به دلیل زیاده‌خواهی مستکبران اتفاق افتاده است؛ در نتیجه هزاران نفر بی‌گناه، کودک و بزرگ، جان خود را در این جنگ‌ها از دست داده‌اند؛ اما احتمالاً اندکی از وقایع و خاطرات جنگ‌ها و نبردها ثبت شده است و بدین ترتیب جنگ‌زدگان برای کشته‌شدن جنگجویان‌شان ارزش معنوی قائل شده باشند. وقتی ما دفاع ملت‌مان را با بعضی‌های عراقی بررسی می‌کنیم با دو نما از آن

رو به رو می‌شویم. با این‌که هر دو طرف مسلمان و معتقد به احکام اسلامی‌اند، برادران مسلمان کشور اسلامی عراق، کمتر به کشته‌شدگان خود در جنگ‌شان با ایران می‌پردازند.

در سفرهای زیارتی که ما برای زیارت عتبات؛ خصوصاً در زمان اربعین به کشور عراق می‌رویم، کمتر پیش می‌آید که آن‌ها به مقوله کشتگان خود در جنگ ایران و عراق بپردازند. نگارنده در سال ۱۳۹۶ مسافرتی پیاده، از مهران تا کربلا، با دوستی به نام «فریادرس محمدی» اهل کرمانشاه داشتم. در شهر حله، هنگام غروب آفتاب نشسته بودیم و استراحت می‌کردیم که فردی عراقی آمد و کنار ما نشست. او با زبان فارسی صحبت می‌کرد. به چهره‌اش نگاهی انداختم و علت این‌که زبان فارسی را می‌داند، پرسیدیم. با شرم گفت: «در ایران اسیر بوده‌ام». ناخودآگاه به او گفتم: «ما به عراق حمله نکردیم!». او همان‌طور که برافروخته می‌شد، بلافاصله گفت: «نه. همین کشور عراق، امروز به مجاهدان مبارز و کشته‌شده خود در برابر تهاجم داعشی‌های ملعون، شهید می‌گویند؛ چون به فرمان عالم شیعه «حضرت آیت‌الله سیستانی» برابر ظلم آن‌ها ایستاده‌اند».

چرا امام حسین (علیه السلام) در تاریخ ماندگار شده است؟ چون هدف او خدایی و مقدس است. چون شهدای کربلا به فرمان امام خود

جنگیدند. این باور درست است و شکی در آن نیست. اما نکته مهم‌تر این است که وقایع کربلا، سفیرانی امین هم داشته‌اند تا اجازه ندهند که کربلا در کربلا بماند. در وقایع کربلا زحمات حضرت زینب علیها السلام و امام سجاد علیه السلام را نمی‌توان نادیده گرفت. فداکاری شهدای دفاع ما هم شعاعی از قیام امام حسین علیه السلام بوده است. آن‌ها نیز به فرمان ولی خود به دفاع از کشور اسلامی و انقلاب اسلامی پرداختند؛ اما اگر وقایع آن نوشته نشود و رزمندگان امروز قلم به دست نگیرند؛ یقیناً دست تحریف نخواهد گذاشت که ایثار رزمندگان ماندگار شود.

خداوند را شاکریم که ما را در زمانه امام خمینی رحمته الله علیه قرار داده است تا با مجاهدان و فرزندان روح‌الله همراه باشیم؛ انشالله به واسطه آن‌ها ما نیز رستگار شویم. اگر بخواهیم آیندگان از حقیقت این دفاع آگاه شوند، باید در حد توان خود، آن‌ها را که در این راه پرخطر جان‌فشانی کرده‌اند به آیندگان معرفی نماییم تا مردم هدایت شوند.

الحمد لله کتاب «با ستارگان یزدل؛ زندگی‌نامه و آثار شهدا» را پیش از این با کمک دوستانم در پایگاه بسیج شهید علی روحانی روستای یزدل کاشان به پایان و انتشار دادیم. بر اساس آن تجربه برآن شدیم که خاطرات رزمندگان را نیز جمع‌آوری کنیم تا از نگاه

هم‌زمان‌شان به روایت زندگی شهدا پردازیم. ما بر آن شدیم که کتاب حاضر را به خاطرات رزمندگانِ هم‌رزم شهدا اختصاص دهیم تا بیشتر در عمق دریای عصر آنان فرو رویم و از دریای وجودی آن‌ها دُر‌ها بچینیم. ما سعی کرده‌ایم که گفته‌های رزمندگان را همچون روایت‌های مختص شهدا به گونه‌ی موضوعی بنگاریم تا خوانندگان کتاب با رغبت بیشتری به مطالعه‌ی آن پردازند.

در این اثر تلاش شده است که در برخی روایت‌ها، نخست زندگی‌نامه‌ی کوچکی از هر رزمنده بیاید تا کتاب نسب‌شناسی مختصری را نیز از روستا داشته باشند. امید است که آیندگان ضمن تحقیق درباره‌ی شهدا بتوانند در موضوع اقوام روستا هم پژوهش‌هایی داشته باشند. لذا در پایان هر خاطره نام راوی را آورده‌ایم.

نگارنده، هم‌زمان با جمع‌آوری خاطرات شهدا به گردآوری روایت‌های رزمندگان نیز پرداخته‌ام؛ ولی اولویت کار، نقل و روایت‌های شهدا بوده است؛ گاهی در اردویی شرکت می‌کردم که سرداری درباره‌ی شهیدی سخنرانی می‌کرد. نگارنده گفته‌های آن رزمنده‌ی پاسدار یا ارتشی را یادداشت می‌کردم، علاوه بر آن درباره‌ی گفته‌های او در منابع اینترنتی هم به تحقیق می‌پرداختم؛ تا اگر به مطلب مناسبی برخوردیم با یادداشت‌های قبلی آن را تکمیل کنیم.